

تأثیر حضور هیئت مدیره و مدیر مالی خانم در سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مهسا مصلی^۱، مسعود محمدپورزنجانی^{۲*}

۱- مدرس گروه مدیریت و حسابداری دانشگاه روزبه زنجان

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشگاه روزبه زنجان

masoud_mohamadpoor@yahoo.com

چکیده

در این تحقیق در پی آن هستیم که بدانیم حضور خانم‌ها در هیئت مدیره شرکت به همراه مدیر مالی خانم به خاطر سبک مدیریت خاص و وجود شایستگی‌های خانم‌ها، آیا در سودآوری شرکت تأثیر مثبت دارد یا نه. برای این منظور به صورت سامانمند ۱۸۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار از سال ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۵ انتخاب نمودیم، که از این بین در ۲۹ هیئت مدیره شرکت و در ۱۰ پست مدیر مالی خانم حضور دارد. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که یا بین سودآوری شرکت و هیئت مدیره خانم و مدیر مالی خانم رابطه معنادار منفی وجود دارد یا اصلاً هیچ رابطه معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: هیئت مدیره خانم، مدیر مالی خانم و سودآوری.

۱- مقدمه

سود از جمله اطلاعات با اهمیت در تصمیمات اقتصادی به شمار می‌رود. مطالعات و پژوهش‌های انجام شده درباره سود، یکی از پر حجم‌ترین و بیشترین تلاش‌های پژوهشی را در تاریخ حسابداری تشکیل می‌دهد. سود به عنوان راهنمای پرداخت سود تقسیمی، ابزار سنجش اثربخشی مدیریت و وسیله پیش بینی و ارزیابی تصمیم‌گیری‌ها، همواره مورد استفاده سرمایه‌گذاران، مدیران و تحلیلگران مالی بوده است (ثقفی و آقایی، ۱۳۷۳). بر همین اساس، محققان بسیاری سعی کردند عوامل مؤثر بر سودآوری شرکتها را شناسایی کنند.

مدیر مالی باید همیشه مواظب باشد که روش تأمین مالی با نوع سرمایه‌گذاری شرکت سازگار باشد و همچنین از اهرم در حد معقول آن استفاده کند تا هم ارزش شرکت حداکثر شود و هم از پیامدهای نامطلوب ریسک مالی به واسطه استفاده از بدهی، جلوگیری کند (لستر، ۲۰۰۰). بسیاری از مطالعات در زمینه هیئت مدیره دارای تنوع جنسیتی (هر دو جنس زن و مرد) بر اساس این ایده می‌باشد که نمایندگی زنان، ارزش شرکت را بهبود می‌بخشد با این حال، مطالعات آکادمیک نتیجه‌گیری متضاد با توجه به رابطه بین زنان در هیئت مدیره و ارزش شرکت فراهم نموده است. برخی مطالعات یافته‌اند که شرکت با تنوع جنسیتی هیئت مدیره عملکرد بهتری خواهند داشت چرا زنان دارای ویژگی منحصر به فردی از منابع و سرمایه انسانی برای کسب و کار به ارمغان آورده‌اند (کمپیل و مینگوزورا، ۲۰۰۸)

از آنجا که همواره زنان کم و بیش نیمی از اعضای جامعه را تشکیل می‌دهند چنین انتظار می‌رود که این نیروی بالقوه و گسترده با مشارکت بالفعل خود در فعالیتهای متنوع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، چرخ‌های جامعه را همگام با مردان به حرکت درآورند و موفقیت‌های بیشتری از این راه بدست آورد، اما در طول تاریخ فرصت‌ها و امکانات برای زنان به نحوی توزیع نشده است که به راحتی بتوانند هم دوش مردان در صحنه جامعه حاضر شوند و در واقع بدون محدودیت جنسی به ایفای نقش‌های شایسته خویش بپردازند. در حوزه تصمیم‌گیری نیز دست‌یابی زنان به مشاغل و پایگاه‌های مدیریتی همپای افزایش کمی مشارکت